

مبارزه علیه بزهکاری اطفال در اروپا

اشاره

در کشورهای اروپایی، مبارزه علیه بزهکاری اطفال یک نگرانی عمومی شده است. مطالعه حاضر در پی آن است تا چگونگی برخورد هر یک از این کشورها را با این معضل بررسی نماید.

انگلیس و کشورهای ولز و هلند، تاکنون برنامه های مفصلی برای مبارزه علیه بزهکاری اطفال اتخاذ کرده اند. سایر کشورها واکنش های کمتری نشان داده اند. اسپانیا و سوئیس لوایح قانونی تهیه کرده اند در حالی که آلمان و بلژیک صرفاً در حال بررسی این اصلاحات می باشند.

گسترش ضمانت اجرایی برنامه های جدید، کوتاه کردن زمان دادرسی و همکاری تمام نهادهای مرتبط با مبارزه علیه بزهکاری اطفال، ویژگی مشترک تمامی اصلاحات مصوب یا اصلاحاتی که به صورت لایحه رایه شده اند، تشکیل می دهد.

ترجمه: مهدی قربانی - سلمان عمرانی

۱- آشنایی با اصلاحات و قوانین

الف) اصلاحات انگلیسی و هلندی

مجلس انگلیس در ژوئیه ۱۹۹۸ قانونی تحت عنوان پیشگیری از بزهکاری و اخلال در نظم عمومی ۲ را تصویب کرد که شامل تعداد زیادی از اقدامات کاملاً عادی است که همگی به منظور مبارزه به بزهکاری اطفال می باشند. برخی از این تدابیر از پایان سال ۱۹۹۸ به اجرا گذارده شده اند در حالی که سایر کشورها این تدابیر را از سال ۲۰۰۱ پس از آزمایش در چندین منطقه اجرا نمودند.

در هلند در سال ۱۹۹۴ است که دولت تصمیم گرفت که با این مسئله یا از طریق طرحی متشکل بر چندین

قانون و تکیه ویژه بر لزوم همکاری میزان تمام نهادهای موجود اجتماعی مقابل نماید.

ب) لوایح قانونی اسپانیا و سوئیس

لایحه قانونی اسپانیا در ۳ نوامبر ۱۹۹۸ به مجلس نمایندگان ارسال شد. هدف این لایحه، نخست، تغییر سن مسئولیت کیفری و بزرگسالی کیفری بود. لکن در نهایت شامل مجموعه ای از تدابیر قابل اجرا در خصوص اطفال بزهکار بود.

سوئیس، لایحه قانونی وضع کیفری صغار را تهیه کرده که در حال حاضر در شورای فدرال در حال بررسی است. این لایحه به سبب تمایزی که میان حقوق کیفری

بزرگسالان و حقوق کیفری صغار پیش بینی کرده است قابل تصویب تا چند ماه آینده نیست.

ج) اصلاحات پیش بینی شده در آلمان و بلژیک

پیش نویس لایحه قانونی بلژیک، در دست تدوین است که در آن ضمانت اجراهای قابل اجرایی برای اطفال بزهکار تعریف شده است. در حال حاضر قانون ۱۹۸۵ حمایت از اطفال اجرا می شود لکن در پیش نویس جدید بیش از هر امر دیگری، حمایت و بازپروری اجتماعی اطفال بزهکار هدف قرار گرفته است تا مجازات گردن اطفال بزهکار. در آلمان، آخرین اصلاحات قانونی به سال ۱۹۹۰ برمیگردد زمانی که اولین قانون اصلاح حقوق کیفری اطفال تصویب شد. از آن زمان تاکنون به سبب مواضع حزب لیبرال هیچ قانونی منجر به تشدید این ضمانت اجراها نشده است. فرایند اصلاحاتی که در سال ۱۹۹۰ متوقف شد قرار است در دوره مجلس مقننه کنونی از سر گرفته شود. در میان احزاب راه یافته به پارلمان آلمان، همگرایی وسیعی در خصوص لزوم اتخاذ سیاست های پیشگیرانه و نیز سیاست توسعه زیر ساختمان اجتماعی و آموزشی وجود دارد.

۲- نکات مشترک اصلاحات و قوانین

گسترش ضمانت اجراهای جدید، کوتاه کردن مدت دادرسی و مشارکت همه نهادهای مربوطه در برنامه های محلی، اصول ویژه این اصلاحات را تشکیل می دهند.

الف) گسترش ضمانت اجراهای جدید

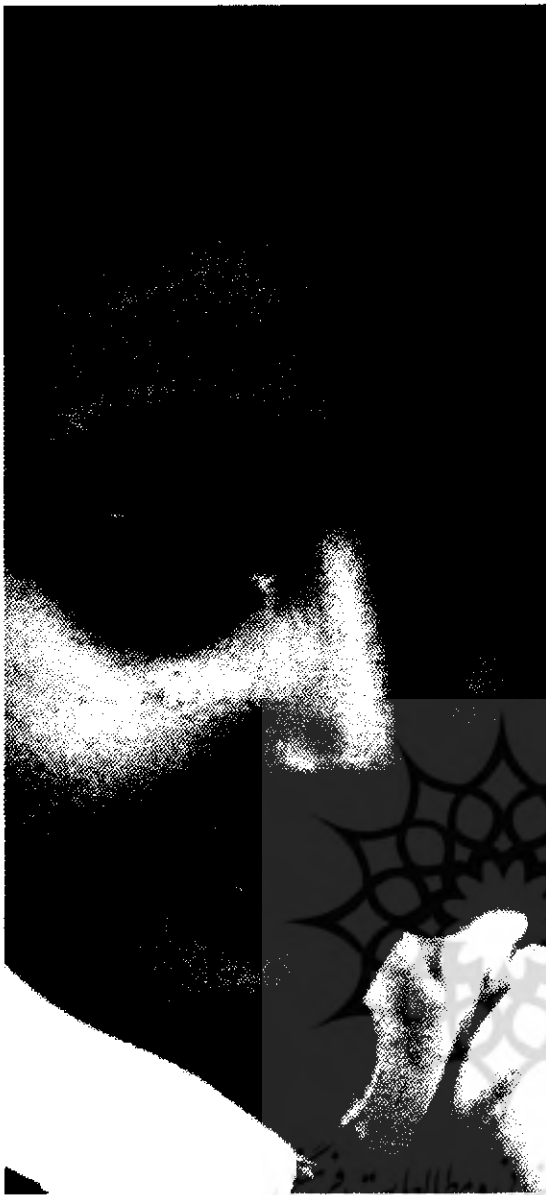
تدابیری همچون جبران خسارت، تادیه شخصی توسط صغیر، مشارکت در فعالیت های عام المنفعه، اقدامات اجتماعی - تربیتی ... ضمانت اجراهای جدید هستند که اغلب شامل اجبار اطفال بزهکار به انجام برخی کارها و مشاغل هستند.

هلند، تنها کشوری است که این گونه از ضمانت اجراها را بسیار گسترش داده است. در واقع هلند در تمام مراحل دادرسی کیفری این ضمانت اجراهای جدید را اجرا کرده است.

- یک ماده از قانون کیفری مصوب ۱۹۹۴ به بزهکاران بی سابقه جرایم اطفال (بخصوص جرایم تخریب اموال به شکل جزئی) اجازه می دهد که خطای خود را قبل از آغاز دادرسی کیفری جبران نمایند.

- ماده دیگری از قانون جزا به دادستان سلطنتی اجازه می دهد تا شرط منع تعقیب او را انجام کار معین قرار دهد.

- سومین ماده به قاضی اختیار کردن مجازات های حبس و جریمه مالی را با مجازات های جایگزین معینی که احصاء شده اند (همچون فعالیت های بدون مزد به نفع جامعه، جبران خسارت های ناشی از جرم یا شرکت در یک دوره آموزشی) اعطا می کند.



ب) کاهش مدت زمان دادرسی

این کاهش مدت، مبتنی بر یک هدف صریح و روشن در اصلاحات انگلیسی و هلندی است. انگلیس، از یک سو مدت زمان مابین بازداشت و آغاز دادرسی و از سوی دیگر مدت زمان لازم برای اعلام محکومیت را به نصف کاهش داده است. در هلند وزیر دادگستری از دادرها درخواست کرده است تا تمام تلاش خود را جهت کاهش مدت زمان میان ارتکاب جرم و پاسخ قضایی به کمتر از ۶ ماه به عمل آورند.

ج) مشارکت همه نهادهای مرتبط با برنامه های

محلی

علاوه بر اصلاحات انگلیسی و هلند، این هدف در آلمان نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این سه کشور برنامه فراگیر و بومی مبارزه علیه بزهکاری اطفال، نهادهای اجتماعی دادگستری، پلیس و ادارات محلی را به مشارکت



فراخوانده است.

در هلند، وزارت دادگستری یک چنین برنامه هایی را مورد توجه قرار داده است. وزارت دادگستری از سال ۱۹۹۵ بیش از ده ها موافقتنامه به شهرهای بزرگ منعقد کرده است تا در ازاء کاهش بزهکاری اطفال در محدوده خود، کمک های مالی متعددی در قابل اجازه توسعه زیرساختهای ورزشی و خدمات اجتماعی ارایه دهد. به علاوه وزارت دادگستری هلند از سال ۱۹۹۷ در تلاش است تا دادگستری محلی را در قالب تاسیس مراکز خدمات قضایی ویژه اطفال در محله های هر شهر برقرار نماید و خدمات چند منظوره ای را جهت چاره جویی این مشکل ارایه نماید.

قانون انگلیس ۱۹۹۸ ترتیب وظایف والدین را معین کرده است. این قانون علیه والدینی وضع شده که فرزندانشان از مدرسه فرار می کنند یا مرتکب جرم می شوند. این قانون تعهداتی را بر عهده والدین قرار داده است تعهداتی همچون شرکت در سمینارها و یا نظارت دقیق بر فرزندان در طول ۳ ماه. اجرای این تعهدات توسط یک مددکار اجتماعی یا مامور وزارت دادگستری بررسی و تایید می شود.

لایحه قانونی اسپانیا شکل دیگری از مسئول قلمداد کردن والدین را پیش بینی می کند که عبارت است از ایجاد مسئولیت مدنی برای والدینی که فرزندانشان در سنین کمتر از ۱۰ سال، مرتکب جرم می شوند.

۳- نکات متمایز اصلاحات و قوانین

الف) مقررات انگلستان

قانون انگلیس از ۱۹۹۴ در جستجوی گسترش مقررات پیشگیرانه و آموزشی است. با این وجود دقت در جزییات مفاد آن به لحاظ شدت عمل بسیارش، مانع اصلاح در آن شده است چند مثال می تواند بیانگیر این موضوع باشد: این قانون در واقع موجب پیدایش محکومیت های

جدید شده است. نمونه آشکار آن محکومیتی است که قابل اعمال علیه اطفال زیر ۱۰ سال به جهت اخلاف در نظم عمومی یا تجاوز جنسی است. به علاوه می توان اطفال بزهکار از رفت و آمد به برخی مکان ها، معاشرت با برخی افراد و یا انجام برخی اعمال در طی مدت ۲ تا ۵ سال به تناسب ماهیت جرم منع نمود.

به علاوه این قانون امکان معافیت های قضایی را محدود کرده است. همچنین توبیخ و تحت الحفظ بودن که توسط افسران پلیس بر علیه صفاری که مرتکب جرایم کوچک شده اند تعیین می شود، قابل تجدید در صورت تکرار جرم نیست. فلذا دادگاه مکلف است که طفل را حداقل به مجازات تعلیقی محکوم نماید.

همچنین قانون به ماموران پلیس اجازه داده است که رفتار صغار را در خبری شرایط مورد بررسی قرار دهد و ماموران پلیس می توانند تکالیف آموزشی و تحصیلی کودکان ۵ تا ۱۲۶ ساله را کنترل کنند. به این شکل که اگر مامور پلیس، صغیری را در یک مکان عمومی مشاهده کند و احتمال فرار از مدرسه دهد، می تواند طفل را به مدرسه بازگرداند. از سوی دیگر در شهرهایی که مقررات ممنوعیت خروج از منزل در ساعات خاص حاکم است اگر ماموران پلیس کودک کمتر از ۱۰ سالی را در یک مکان عمومی بدون مشایعت یک بزرگسال مشاهده کنند، می توانند او را به خانه والدینش یا به اداره پلیس منتقل کنند.

مقررات آلمان

آخرین اصلاح قانون به سال ۱۹۹۰ بر می گردد. هنگامی که نخستین قانون جزای اختصاصی مربوط به صغار تصویب شده بود. در آن دوره همه گروه های سیاسی، در راستای سیاست های پیشین، موافق اولویت اقدامات آموزشی بودند. به همین دلیل به دادسرا و قضات اجازه دادند که به اشکال غیر رسمی، همچون منع تعقیب یا موقوفی تعقیب، توجه کنند و علاوه بر آن مدت مجازات

سالب آزادی را کاهش دهند.

برخی تدابیر از پایان سال ۱۹۹۸ به اجرا گذاشته شده اند (همکاری میان نهادهای محلی، محکومیت برای جرایم جنسی و تجاوز به شخصیت نژادی، منع تردد برای صغار کمتر از ۱۰ سال، کنترل وظایف تحصیلی...) سایر تدابیر از سال ۱۹۹۹ به اجرا درآمدند. گونه دیگری از تدابیر هم در سال ۲۰۰۱/۲۰۰۰ بعد از آزمایش در مناطق نمونه به اجرا درآمدند.

علیرغم درخواست پارلمان آلمان (در سال ۱۹۹۰) از دولت مبنی بر ارایه دومین لایحه قانونی و نیز فعالیت های گسترده حقوقدانان متخصص حقوق کیفری اطفال و به رغم طرح های پارلمانی متعدد که به تشدید مجازات ها گرایش داشت، هیچگونه اصلاحی به عمل نیامد. علت عمده آن را می توان مخالفت حزب حالم لیبرال دانست.

پیشنهاد های مطرح و قابل توجه عبارت بودند از:

- حذف حق انتخاب جوانان ۱۸ تا ۲۱ سال نسبت به محاکمه طبق قانون کیفری اطفال
- افزایش زمان حداکثر مجازات اطفال از ۱۰ سال به ۱۵ سال
- محدود کردن موارد معافیت قضایی از مجازات های کیفری
- برقراری حبس پیشگیرانه برای نوجوانان کمتر از ۱۶ سال

- کاهش سن عدم مسئولیت کیفری از ۱۴ به ۱۲ سال با آنکه پیش بینی شده بود که اصلاحات متوقف شده در ۱۹۹۰ از سر گرفته شود با وجود پارلمان فعلی هیچ تغییری در کوتاه مدت رخ نخواهد داد. در میان احزاب سیاسی فعلی پارلمان آلمان یک اجماع فراگیر در خصوص لزوم سیاست پیشگیرانه توسعه زیر ساخت های اجتماعی - آموزشی از سالهای ۱۹۹۰ وجود دارد.
از آغاز سال های ۱۹۹۰ برنامه های محلی متعددی با مشارکت تمامی نهادهای مربوطه (همچون مددکاران اجتماعی، مربیان ورزشی، نمایندگان مجلس، دادگستری، پلیس و ...) مورد توجه قرار گرفته اند این برنامه ها اغلب مربوط به ایالت های آلمان شرقی سابق هستند که از بیکاری و تزلزل ساختار های اجتماعی و خانوادگی رنج می برند.

مقررات انگلستان و ولز

در مواجهه با افزایش بزهکاری اطفال، جک استراو، وزیر کشور وقت، در ژوئیه ۱۹۹۷ گروه کاری دادگستری ویژه صغار را تشکیل داد که منجر به پیشنهاد قانون پیشگیری از بزهکاری و اخلال در نظم عمومی ۱۹۹۸ گردید. این قانون که عدم مسئولیت نوجوانان ۱۰ تا ۱۴ ساله را ملغی کرد اهداف ذیل را دنبال می کرد:

- کوتاه کردن مدت زمان دادرسی مجرمین صغیر
- گسترش تدابیر جدید پیشگیرانه تربیتی - آموزشی و سرکوب گر
- ایجاد محکومیت های جدید برای جرایم اخلال در نظم عمومی، جرایم جنسی و اعتیاد و نیز تشدید مجازات برای تجاوز به شخصیت نژادی
- ایجاد مسئولیت برای والدین
- گسترش همکاری میان موسسات مرتبط (پلیس، دادگستری، مقامات محلی...)

کاهش مدت دادرسی

قانون مذکور مدت زمان میان بازداشت و آغاز دادرسی و نیز میان ایراد اتهام و محکومیت بزهکار صغیر را تا نصف کاهش داده است.

پیش از این هنگامی که مهلت پیش بینی شده در قانون تعقیب جرایم رعایت نمی شد، مجرم تبرئه می گردد. برای جلوگیری از تبرئه ناشی از گذشت مهلت قانون جدید متغیر بودن این مهلت ها را به تناسب مدت جرم و نیز امکان به تعویق انداختن دادرسی پذیرفته است. این تدابیر از تابستان ۱۹۹۹ لازم الاجرا شدند.

گسترش تدابیر جدید

۱- پیشگیری

الف: منع خروج از خانه در ساعات خاص یا از ساعات خاصی به بعد

یکی از تدابیر اصلی پیشگیرانه، امکان ایجاد موقت مقررات منع آمد و شد در برخی ساعات در برخی محله هاست. این تدابیر (که از ۳۰ اکتبر ۱۹۹۸ در حال اجراست) به صغار زیر ۱۰ سالی که مابین ساعت ۲۱ تا ۶ صبح بدون همراهی والدین یا یک فرد بزرگسال (حداقل ۱۸ سال) در اماکن عمومی مشاهده شوند، مربوط می شود. می توان این مقررات را به تناسب سن اطفال در زمان بندی های متفاوت اجرا کرد.

مقامات محلی می بایست درخواست خود را مبنی بر اعمال منع خروج از منزل جهت تایید به وزیر کشور تقدیم نمایند. منع خروج از منزل نمی تواند در یک دوره برای بیش از ۹۰ روز اعمال گردد. هنگامی که طفل زیر ۱۰ سال این مقررات را رعایت نکنند، ماموران پلیس می بایست او را به خانه والدین و در صورت غیبت والدین به اداره پلیس هدایت کنند. مقامات محلی می بایست از این جرم مطلع شوند تا دستور تحقیق توسط سازمان های خدمات اجتماع را صادر نمایند.

ب: نظارت بر وظایف تحصیلی

اطفال ۵ تا ۱۶ ساله موظف به یک حضور در موسسات آموزشی هستند و به همین دلیل حق غیبت در ساعات درسی را ندارند مگر آنکه دارای اجازه نامه از مدرسه باشند. هنگامی که مامور پلیس در یک مکان عمومی، مرکز تجاری یا یک فروشگاه، در حین ساعات درسی با یک طفل مواجه شود و مامور دلایل کافی مبنی بر احتمال فرار از مدرسه در دست داشته باشد، پلیس می تواند او را به مدرسه و یا به محل تعیین شده توسط مسئول محلی آموزشی بازگرداند.

ادامه دارد